

ارائه مدل ساختاری نقش عوامل محیطی بر توسعه استعداد ورزشی

مریم حسینی عسگرآبادی^{۱*}، احمدرضا ظهراپی^۲

۱. استادیار گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

۲. دکتری گروه مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

هدف از این پژوهش مدل‌یابی ساختاری نقش عوامل محیطی بر توسعه استعداد ورزشی بود. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را تمام مربیان استان خوزستان بود که ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه به طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی صوری، محتوایی و سازه پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ، مورد تأیید قرار گرفت. از روش‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و تعیین میزان اهمیت متغیرها و آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. نرم افزارهای مورد استفاده اسپاس و لیزرل بود. یافته‌های تحقیق نشان داد به ترتیب آموزش و برنامه‌های حمایتی، عوامل اقتصادی و جمعیتی، نقش اطرافیان و عوامل فرهنگی و سیاسی به عنوان شاخص‌های محیطی بر پیشرفت استعدادهای ورزشی اثر گذار هستند. بنابراین در راستای پیشرفت توسعه استعدادهای ورزشی بر این عوامل تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش، استعداد، اقتصاد، فرهنگ، ورزش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Email: maryam.hosseini@gu.ac.ir

Provide a structural model of the role of environmental factors on the development of sporting talent

Maryam Hosseini Asgar Abadi ^{*1}, Ahmadreza Zohrabi ²

1. Assistant Professor of Sport Science Department, Human and Social Sciences Faculty,
Golestan University, Gorgan, Iran

2. master of Sports Management at Islamic Azad University Karaj branch

Abstract

The purpose of this study was to model the structural effects of environmental factors on the development of sporting talent. Research method in this research was survey type. The statistical population of the study was all the coaches in Khuzestan province. 200 individuals were randomly selected. The research instrument was a researcher-made questionnaire. The formal validity, content and structure of the questionnaire were confirmed. The reliability of the questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha coefficient correlation coefficient. Descriptive statistics were used to examine the demographic characteristics and to determine the significance of variables and to test the normal distribution of data. Data were analyzed using confirmatory factor analysis. The software used was SPSS and LISREL. The findings of the research showed that education and supportive programs, economic and demographic factors, the role of those around them, and cultural and political factors as environmental indicators affect the development of sports talents. Therefore, in order to advance the development of talent, these factors are emphasized.

Keywords: culture, economics, education, sports, talent

* Email: maryam.hosseini@gu.ac.ir

۱. مقدمه

ورزش به‌عنوان یک قدرت مؤثر در توسعه اجتماعی و اقتصادی، با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در اقتصاد و سیاست کشورها دارد (عباسی، کریمی و حسینی، ۱۳۹۶). شناسایی استعدادهای درخشان در ورزش به روند شناخت ورزشکاران با پتانسیل، برای دستیابی به عملکرد نخبه اشاره دارد. از سوی دیگر، توسعه استعدادهای درخشان، از طریق مجموعه‌ای از برنامه‌های مداخله‌ای مانند آموزش فیزیکی، به پیشرفت ورزشکاران در سطح جهانی منجر می‌شود (بیکر و اسپورر، ۲۰۱۰). مهم‌ترین فرض توسعه استعداد این است که استعدادها ذاتی به طور خودکار به درجه نخبه نمی‌رسد. بنابراین، ورزشکاران باید از ویژگی‌های ذاتی برای به دست آوردن عوامل کلیدی موفقیت خود استفاده کنند (دورندبوش و سالما، ۲۰۰۲). عواملی همچون استعدادیابی و پرورش استعدادها، مدیریت و برنامه ریزی، تخصیص بودجه، مربیان حرفه‌ای و کارآمد، امکانات و تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری، مسابقات ملی و بین‌المللی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و موفقیت در عرصه ورزش قهرمانی می‌باشند (سیف پناهی و خطیبی، ۱۳۹۶). عوامل محیطی بر عملکرد حرفه‌ای ورزشکاران تأثیر می‌گذارد و به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های کنترل در جریان توسعه ورزشکاران نخبه است (مارتیندال، ۲۰۰۷). مهارت‌های ورزشی از طریق سازگاری موفق با محدودیت‌ها یا عوامل محیطی و همچنین تجربه در آموزش و رقابت به دست می‌آید. به جای تمرکز صرف بر عوامل درون فردی مانند ویژگی‌های فیزیکی ورزشکاران، عوامل محیطی توسعه استعداد، باید شناسایی شده و به طور مؤثر برای پیشرفت ورزشکاران با استعداد توسعه یابد (بایلی، تامس، کولاین، فورد، مکنیمارا و پیرس، ۲۰۱۱). توسعه استعدادها در درخشان در ورزش می‌تواند ناشی از عوامل محیطی باشد. فرهنگ ورزشی یکی از عوامل محیطی اثرگذار بر توسعه استعداد است. هرچند این شاخص در توضیح توسعه تخصص است اما مورد تحسین قرار گرفته است. ریب، استامبولو و اسپینک (۲۰۱۳)، نیز معتقدند که فرهنگ محیطی در سازمان‌ها و سطوح باشگاه تأثیر قابل توجهی بر توسعه استعداد ورزشکاران دارد. بنابراین لازم است فرهنگ ورزشی را در توسعه مهارت‌های ورزشی در نظر بگیریم. به غیر از فرهنگ ورزشی، سیاست یا استراتژی دولت، عاملی تأثیرگذار برای دستیابی به تخصص ورزشی است. وینسز، فیوگدی، دنس و بگنیر (۲۰۰۸)، با بررسی رابطه بین سیاست‌های ورزشی و توسعه استعداد در فوتبال، به این نتیجه رسیدند که فقدان موفقیت در فوتبال مجارستان به دلیل عدم موفقیت دولت مجارستان در ایجاد سیاست‌های مؤثر ورزشی یا حاکمیت استراتژی‌ها بود. هولت (۲۰۰۲)، از روش تحقیق مشابه برای مقایسه مقادیر توسعه استعداد فوتبال بین کانادا و انگلیس استفاده کرد. او روش‌های مختلفی در پیاده‌سازی سیاست‌های رسمی و ارزش‌های مختلف مربیان بین دو کشور یافت. مربیان انگلیسی آموزش بیشتری در زمینه آموزش مربیگری نسبت به هم‌تایان کانادایی خود دریافت کرده‌اند و این اختلافات ممکن است باعث شود که بازیکنان فوتبال نخبه بیشتر در انگلستان نسبت به کانادا پرورش دهند.

سیاست‌های ورزشی باید به طور صحیح و سیستماتیک برای تضمین موفقیت ورزشی تأمین شود. در واقع مشارکت ورزش یک پیش شرط برای توسعه استعداد است و به شدت با وضعیت اجتماعی و اقتصادی ارتباط دارد (بایلی، تامس، کولاین، فورد، مکنیمارا و پیرس، ۲۰۱۱). نتایج مطالعات لین یانگ و (۱۹۹۶)، نشان داد ورزشکارانی که از خانواده‌های طبقه متوسط هستند؛ حمایت‌های قابل توجهی از اعضای خانواده خود به عنوان اجتماع در جهت توسعه دارند. هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس (۲۰۱۱)، اصطلاح نابرابری اجتماعی را برای توصیف مشارکت در برنامه‌های توسعه استعداد بین ورزشکاران که از خانواده‌های کم درآمد بودند، استفاده کرد. بدیهی است خروج از اجتماع می‌تواند مشارکت ورزش را در نتیجه فقدان منابع مالی ناچیز تضعیف کند (الینگ و کلارینگبولد، ۲۰۰۵). این یافته‌ها برای سیاست‌گذاران در جهت کاهش یا ریشه کن کردن موانع مشارکت ورزشی با ورزشکاران خانواده‌های کم درآمد مفید است (کالیس و بولر، ۲۰۰۳). شواهد نشان می‌دهد که اثر تولد در توسعه استعداد وجود دارد. مک دونالد، چیونگ، کوته و ابرنیتی (۲۰۰۹)، نیز معتقدند که دلیل این امر می‌تواند این باشد که استعدادها از جوامع کوچک، حمایت اجتماعی بیشتری نسبت به شهرهای بزرگ داشته باشند. علاوه بر این، بیکر و لوژان (۲۰۰۷) محیط‌های امن‌تر و فضاهای تفریحی فراوان را عامل این رشد و پیشرفت می‌دانند. به عبارت دیگر، ورزشکاران در جوامع کوچک و متوسط به احتمال زیاد مزایای رشد بیشتری را برای توسعه آینده کسب می‌کنند (ویشناسترین، ابرنتی و فارو، ۲۰۰۹). برانر، مک‌دونالد، پیکت و کوته (۲۰۱۱)، با بررسی اثر زاد و ولد در توسعه بین‌المللی

بازیکنان در چهار کشور مختلف (کانادا، فنلاند، سوئد و ایالات متحده آمریکا) متوجه شدند که هیچ اثر زاد و ولد در کشور سوئد و فنلاند مشاهده نشد. این دو مطالعات به توضیح احتمالی یافته‌های متضاد اشاره می‌کنند که تفاوت در فرهنگ‌ها و سیستم‌های ورزشی در کشورهای مختلف است. بنابراین، این امر نیاز به در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر دارد، نه فقط بررسی اثر زاد و ولد. علاوه بر مطالب ذکر شده مدارس نقش مهمی در ایجاد یک محیط مناسب برای معرفی ورزش بازی می‌کنند و مدارس طیف وسیعی از برنامه‌های ورزشی را برای توسعه استعدادها به عنوان یک اجتماع ارائه می‌دهند. مدرسه می‌تواند به موفقیت نخبگان در آینده یا حداقل افزایش استعداد آن‌ها کمک کند (هولیهان، ۲۰۰۰). از یک منظر کلان، یک سیستم آموزش عالی یا سیستم مدرسه در ایجاد یک محیط سالم برای توسعه محیطی استعداد حیاتی است (لارسن، آفرمن، هنریکسن و چریستنسن، ۲۰۱۳).

به‌طور کلی والدین برای فرزندان خود ملزومات و حمایت اجتماعی - عاطفی را فراهم می‌کنند (کارلسون، ۲۰۱۱؛ هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس، ۲۰۱۱). والدین حمایت عملی در ورزش را در اختیار دارند؛ نقش‌های حیاتی مختلفی ایفا می‌کنند و در مراحل مختلف توسعه، حمایت‌های مختلفی را فراهم می‌کنند (پیورمل، هاروود و لاوله، ۲۰۰۸). لائور، گولد، رومان و پیرس (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که ورزشکاران اغلب در طول سال‌های بلند رشد خود، افزایش فشار بالایی را تجربه کردند. این فشارها شامل فشار بیش از حد نظیر تاکید بیش از حد برای برنده شدن ورزشکاران است. گاهی نیز والدین تاکید فراوان بر برنده شدن و انتظارات غیر واقعی دارند (گولد، لائور، جانس و پنسی، ۲۰۰۶). تأثیر برادر و خواهر در مقایسه با والدین برای توسعه استعداد ورزشی در ادبیات موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. جالب توجه است که خواهران و برادران ممکن است بر انتخاب ورزش در طول سال‌های اولیه مشارکت ورزش تأثیر بگذارند. مطالعه گیولوبین، اولدنزیل، ویشنستاینر و گجنه (۲۰۱۰) نشان داد که ورزشکاران جوانی که با خواهر و برادر بزرگ‌ترشان بازی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که در ورزش شرکت کنند. همچنین دوستان نقش حیاتی در حمایت از درگیر شدن و تعهد در ورزش در ورزش‌های ورزشکاران ایفا می‌کنند (کارلسون، ۲۰۱۱).

علاوه بر این، مطالعات هنریکسون، استمبولو و رویشلر (۲۰۱۰) نشان داد که ورزشکاران اطلاعاتی مثل تجربیات ورزشی از الگوی نقش، عاطفی و اعتماد به نفس را از همسالان یا دوستان خود دریافت می‌کنند. از این رو حمایت هم‌تایان، برای توسعه استعداد ورزشی مورد نیاز است (هالت و مورلی، ۲۰۰۴). مرییان هم به اندازه خود نقش حیاتی در توسعه استعداد ورزشکاران دارند (جانسون، کاستیلو، ساخس، ادموندس و تننبایوم، ۲۰۰۸). ارائه برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا و جلسات از جمله پشتیبانی اطلاعاتی، یک وظیفه اصلی برای یک مربی است. همچنین یک مربی ممکن است نقش خود را در ارائه حمایت ملموس و ایجاد رابطه خوب با ورزشکاران انجام دهد (مورگان و گیاکوبی، ۲۰۰۶). یک رابطه قوی مربی و ورزشکار باید به خصوص در مراحل بعدی توسعه ایجاد شود. این رابطه به‌وسیله اعتماد و احترام متقابل از طریق درک نیازهای یک ورزشکار و مراقبت از یک ورزشکار به عنوان یک شخص و نه فقط یک ورزشکار انجام می‌گیرد (گولد، لائور، جانس و پنسی، ۲۰۰۶). یک برنامه آموزشی با کیفیت بالا نیز توسط یک گروه از کارشناسان (مثلاً مربی آموزش تناسب اندام، روانپزشک ورزشی، متخصص تغذیه، فیزیوتراپیست) پشتیبانی می‌شود. این کارکنان پشتیبانی منابع به‌خصوصی در مراحل بعدی توسعه استعداد مانند دوره سرمایه‌گذاری هستند (مورگان و گیاکوبی، ۲۰۰۶).

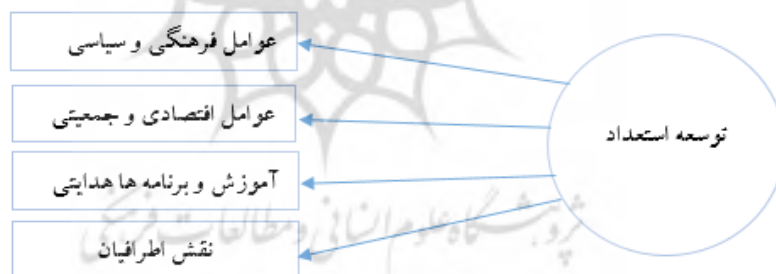
توسعه استعداد در طبیعت چند بعدی است و نیاز به برنامه‌های آموزشی برای در نظر گرفتن عوامل مختلف دارد (هنریکسن و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارتیندال، کالینس و آبراهام، ۲۰۰۷). با توجه به این که برخی از این عوامل مانند توانایی‌های ذاتی و شانس دشوار است، به جای آن تمرکز بر برنامه‌های آموزشی مهم است. شکی نیست که یک برنامه آموزشی با کیفیت بالا عامل مهمی برای عملکرد حرفه‌ای است (دیویدس و بیکر، ۲۰۰۷). یک برنامه خوب باید شامل برنامه ریزی استراتژیک، مربیگری با کیفیت، تجهیزات، حمایت مالی، و حمایت از علوم ورزشی باشد و این اجزاء باید به طور سیستماتیک ترکیب شوند (جانسون، کاستیلو، ساخس، ادموندس و تننبایوم، ۲۰۰۸). برای ورزشکاران، دستیابی به عملکرد حرفه‌ای، شاید بیش از ده سال طول می‌کشد (اریکسون، ۲۰۰۷). بنابراین، چشم‌انداز توسعه بلندمدت ورزشی باید به طور نظام‌مند اجرا شود. بر این اساس، چند استراتژی خاص پیشنهاد شده است. در ابتدا، مرییان باید سعی کنند ورزشکاران بالقوه در برنامه‌های توسعه

استعداد خود را در سنین اولیه انتخاب کنند. مقررات باید چشم انداز دراز مدت توسعه را در بر داشته باشد، فرصت‌های بیشتری را انتخاب کند و اجازه دهد که ورزشکاران اشتباهات خود را با تأکید بر تمرین مداوم در مهارت‌های اساسی کاهش دهند (کارلسون، ۲۰۱۱). در واقع مهارت‌های اساسی یکی از پیش نیازهای لازم برای حضور زود هنگام در ورزش و همچنین برای تعامل با ورزش‌های دیگر است. استراتژی پیشنهادی دیگر این است که توسعه بلند مدت باید توسط سیاست‌گذاران در سطوح نهادی انجام شود (هنریکسون، استمبولوا و رویشلر، ۲۰۱۰). لذا باید سیستم پاداش برای تشویق چشم انداز دراز مدت توسعه استعداد به جای موفقیت فوری یا کوتاه مدت تشویق شود (مارتیندال، کالینس و آبراهام، ۲۰۰۷). در مسیر توسعه درازمدت، مربیان باید درک ورزشکاران در مورد مسیرهای توسعه خود را تقویت کنند و ورزشکاران را برای مسئولیت بیشتر در جهت پیشرفت تشویق کنند. در جلسات آموزشی باید ورزشکاران را برای تعهد بلندمدت آن‌ها مشارکت داد (ویشناستاینر، آبرناتی و فارو، ۲۰۰۹). بسیاری از عوامل قابل پیشگیری در دست‌یابی به موفقیت‌های ورزشی وجود دارد؛ این موارد شامل متغیرهای فیزیولوژیکی، ویژگی‌های روانشناختی، عملکرد فیزیکی و مهارت‌های ورزشی می‌شود. مهم‌تر از همه، مهارت‌های آموزش باید به شیوه قابل ملاحظه‌ای توسعه یابند (کو و همکاران، ۲۰۰۳). برای مثال، مهارت‌های فیزیکی را می‌توان با مهارت‌های تصمیم‌گیری آموزش داد تا انتقال آن‌ها را به وضعیت بازی نزدیک کرد (مارتیندال، کالینس و آبراهام، ۲۰۰۷). با این حال، اکثر برنامه‌های آموزشی تنها بر مهارت‌های فیزیکی تمرکز می‌کنند، اگرچه متغیرهای روانشناختی به عنوان عوامل تعیین‌کننده توسعه استعداد و حفظ تعالی شناخته شده‌اند (مکنیمارا، بوتون و کالینس، ۲۰۰۹). ورزشکاران نخبه و ورزشکاران غیر نخبه می‌توانند از نظر متغیرهای روانشناختی متفاوت باشند (ویشناستاینر، آبرناتی و فارو، ۲۰۰۹). عوامل روانشناختی، شاخص‌های قابل توجهی از عملکرد نخبگان هستند (گولد، لائور، جانس و پنیسی، ۲۰۰۶؛ مکنیمارا، باتون و کالینس، ۲۰۱۰). از این رو پیشنهاد شده است که برنامه‌های توسعه استعداد برای ورزشکاران بایستی تأکید بیشتری بر افزایش مهارت‌های روانی داشته باشند. چندین مهارت عمومی یا روانشناختی (مثلاً تعهد، مقابله با فشار، تنظیم هدف، تصورات، تمرکز و کنترل حواس پرتی و خودآگاهی) برای توسعه استعداد در زمینه ورزش‌های مختلف مؤثر است (ویشناستاینر، آبرناتی و فارو، ۲۰۱۲). سرمایه‌گذاری درازمدت در دست‌یابی به تخصص و تعهد لازم برای ارتقاء توسعه پایدار ورزشکاران لازم است. علاوه بر توسعه ویژگی‌های روان شناختی عمومی، برنامه‌های آموزش روانشناختی باید متناسب با نیازهای ویژه ورزشکاران جوان باشد (مکنیمارا، باتون و کالینس، ۲۰۱۰). در این برنامه‌ها باید بر بازده مؤثر عاطفی / فیزیکی به منظور جلوگیری از بی‌عدالتی و جلوگیری از پیامدهای روحی منفی تأکید شود. استراتژی‌های مختلف در رابطه با تمرین، تغذیه، سرد کردن، کشش، حمایت اجتماعی و آموزش شیوه زندگی (به عنوان مثال، مدیریت زمان و برنامه ریزی) می‌تواند در یک برنامه آموزشی چند بعدی گنجانده شود تا ورزشکاران بتوانند تعادل بین زندگی و آموزش را به دست آورند (مارتیندیل و مورتیمر، ۲۰۱۱). کارلسون (۲۰۱۱) اشاره کرد که ورزشکاران نخبه در برنامه‌های آموزشی فردی شرکت می‌کنند. بنابراین، تمرین‌کنندگان باید یک برنامه آموزشی فردی ارائه دهند که در آن تجارب و الزامات مربوط به ورزشکاران را در نظر بگیرند. تفاوت‌های فردی می‌تواند در توسعه بین فردی و در مراحل توسعه درون فردی ظاهر شود. زمانی که ورزشکاران در رقابت سطح بالاتری شرکت می‌کنند، مربیان باید خود را با دانش پیچیده‌تر در زمینه آموزش آماده سازند (گیولوبین، اولدنزیل، ویشناستاینر و گجنه، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، با افزایش سطح عملکرد در یک ورزشکار، یک برنامه آموزشی لازم است تغییراتی را در اتخاذ سبک‌های آموزشی ارائه دهد (دوراندبوش و سالملا، ۲۰۰۲). ارتباطات و یا تعامل مؤثر بازیکن و مربی مانند درک تجربیات و نیازهای ورزشکاران باید برای ایجاد یک برنامه آموزشی در نظر گرفته شود (کارلسون، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر ارتباط مؤثر، یک رسانه برای سازماندهی برنامه آموزشی مؤثر است. علاوه بر این، ایجاد الگوهای ارتباطات اثربخش می‌تواند به حل مشکلات بین گروه‌های مختلف، مانند مربیان و کارکنان پشتیبانی، مربیان و والدین بیانجامد (گولد، لائور، جانس و پنیسی، ۲۰۰۶). خلاصه پیشینه پژوهش را در جدول ۱، می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

عوامل محیطی	نام محقق و سال پژوهش
فرهنگ و سیاست ورزشی	ریبا، استامبولو و اسپینک (۲۰۱۳)؛ وینسز، فیوگدی، دنس و بگنیر (۲۰۰۸)
عوامل اقتصادی و جمعیتی	هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس (۲۰۱۱)؛ مک دونالد، چیونگ، کوته و ابرنیتی (۲۰۰۹)؛ ویشناستاینر، آبرناتی و فارو (۲۰۱۲)؛ برانر، مکدونالد، پیکت و کوته (۲۰۱۱)؛ سیف پناهی و خطیبی (۱۳۹۶)
آموزش و برنامه	لارسن، آفرمن، هنریکسن و چریستنسن (۲۰۱۳)؛ کارلسون (۲۰۱۱)؛ هنریکسون، استمبولو و رویشر (۲۰۱۰)؛ سیف پناهی و خطیبی (۱۳۹۶)
نقش اطرافیان	کارلسون (۲۰۱۱)؛ هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس (۲۰۱۱)؛ گولد، لاور، جانس و پنسی (۲۰۰۶)؛ گیولوبین، اولدنزیل، ویشنستاینر و گجنه (۲۰۱۰)

بر اساس مطالب ذکر شده و با توجه به اهمیت عوامل محیطی در توسعه ورزشکاران با استعداد، تعداد کمی از مطالعات برای بررسی عوامل محیطی مؤثر در توسعه استعدادها در ورزش انجام شده است. لذا بررسی بیشتر در مورد مطالعات اخیر و روند توسعه محیطی استعداد، ضروری به نظر می‌رسد (مارتیندیل و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، یک بررسی جامع برای رسیدن محققان به یک درک جمعی از آنچه که در این زمینه انجام شده است، ضروری است (بوت و بیل^۱، ۲۰۰۵). علاوه بر این، مطالعات گذشته نمی‌تواند عوامل محیطی توسعه استعداد را به صورت سیستماتیک طبقه‌بندی کند. طبقه‌بندی عوامل محیطی مؤثر بر پیشرفت و توسعه استعداد در ورزش، نیاز محققان را به یک چارچوب کاربردی نشان می‌دهد. بنابراین، این مطالعه با هدف مدلی ساختاری نقش عوامل محیطی بر توسعه استعداد در ورزش می‌باشد. بر اساس پیشینه تحقیق این عوامل در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند که در شکل زیر به صورت مدل مفهومی تحقیق ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بود که به صورت میدانی به مدلی ساختاری نقش عوامل محیطی بر توسعه استعداد در ورزش پرداخته است. جامعه آماری پژوهش را تمامی مربیان استان خوزستان شامل می‌شود. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد (شریبر، ۲۰۰۶)، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می‌باشد. (سیوو و همکاران، ۲۰۰۶؛ هو، ۲۰۰۸) بنابراین ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه به طور تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته برای نقش عوامل محیطی بر توسعه استعداد در ورزش استفاده شد. به دلیل نبود پرسشنامه مرتبط با موضوع پژوهش، در مرحله اول، با بررسی مبانی نظری شامل استفاده از کتب دانشگاهی، مقالات متعدد علمی و پرسشنامه‌های مرتبط، مصاحبه نیمه هدایت شده با اساتید مدیریت ورزشی، فهرستی از مهم‌ترین شاخص‌های محیطی مؤثر بر توسعه استعدادها در ورزشی تهیه شد. تعداد ۱۰ نفر از متخصصان مدیریت

^۱ Boote & Beile

ورزشی در مورد روایی صوری و محتوایی آن اظهار نظر کردند و تعداد سؤالات از ۳۲ گویه به ۲۰ گویه تغییر کرد. پس از انجام اصلاحات، پرسشنامه ۲۰ سؤالی با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱؛ کاملاً موافقم = ۵) طی یک مطالعه راهنما، از نمونه ۳۰ نفری تکمیل و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، برآورد شد که مقدار آن برای مؤلفه عوامل فرهنگی و سیاسی ۰/۸۲، عوامل اقتصادی و جمعیتی ۰/۸۵، آموزش و برنامه‌های حمایتی ۰/۸۸، نقش اطرافیان ۰/۸۷ به دست آمد. در نهایت ۲۱۰ پرسشنامه در دو بخش مشخصات فردی و بخش اصلی سؤالات پرسشنامه (شاخص‌های محیطی توسعه استعداد ورزشی) بین نمونه‌های پژوهش توزیع شد که از این تعداد، ۲۰۰ پرسشنامه به صورت سالم و کامل جمع آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت. از روش‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و هم‌چنین تعیین میزان اهمیت متغیرها و برای آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. برای تأیید روایی سازه ابزار پژوهش از روش تحلیل عامل تاییدی استفاده گردید. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزارهای اسپس اس^۱ و لیزرل^۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که ۶۹ درصد از نمونه مورد بررسی مرد و ۳۱ درصد زن می‌باشند. بیشترین نمونه سنی (۴۵ درصد) مربوط به گروه سنی ۳۰ الی ۴۰ سال می‌باشد و بیشترین تحصیلات نمونه آماری پژوهش مربوط به دوره کارشناسی (۴۳ درصد) می‌باشد. در جدول ۲ یافته‌های توصیفی مؤلفه‌های پژوهش ذکر شده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مؤلفه‌های پژوهش

متغیر	نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون معناداری	آلفای کرونباخ
عوامل فرهنگی و سیاسی	۲۰۰	۳/۳۷	۰/۶۲۳	۰/۶۲۷	۰/۸۲
عوامل اقتصادی و جمعیتی	۲۰۰	۳/۲۷	۰/۶۴۷	۰/۶۳۴	۰/۸۵
آموزش و برنامه‌های حمایتی	۲۰۰	۳/۵۲	۰/۶۸۴	۰/۵۷۸	۰/۸۸
نقش اطرافیان	۲۰۰	۳/۴۹	۰/۶۳۳	۰/۹۶۵	۰/۸۷

بر اساس اطلاعات جدول ۲، بالاترین میانگین مربوط به آموزش و برنامه‌های حمایتی و نقش اطرافیان و کمترین میانگین مربوط به عوامل اقتصادی و جمعیتی می‌باشد. در جدول ۳ شاخص‌های ارزیابی نرمال بودن متغیرها (چولگی و کشیدگی) گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص‌های ارزیابی نرمال بودن متغیرها

متغیرها	چولگی	C.I.	کشیدگی	C.I.
عوامل فرهنگی و سیاسی	۰/۳۸۵	۱/۷۶۸	-۰/۸۹۱	-۲/۳۲۱
عوامل جمعیتی و اقتصادی	۰/۴۲۷	۳/۳۷۸	-۰/۶۲۴	-۱/۸۳۲
آموزش و برنامه حمایتی	-۰/۲۳۲	-۰/۸۹۰	-۰/۲۱۳	-۰/۶۵۷
نقش اطرافیان	-۰/۴۳۵	-۱/۷۶۵	-۰/۵۲۱	-۱/۹۸۶

نتایج جدول ۳ نشان داد، توزیع متغیرها با چولگی بین مثبت و منفی ۳ و کشیدگی بین مثبت و منفی ۵ توزیعی نرمال است. همچنین پیش از استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری پیش فرض همخطی چندگانه متغیرها انجام شد. در صورت رعایت این پیش شرطها می‌توان از روش معادلات ساختاری جهت پیش بینی استفاده کرد. همانطور که در جدول ۴ ملاحظه

¹ SPSS

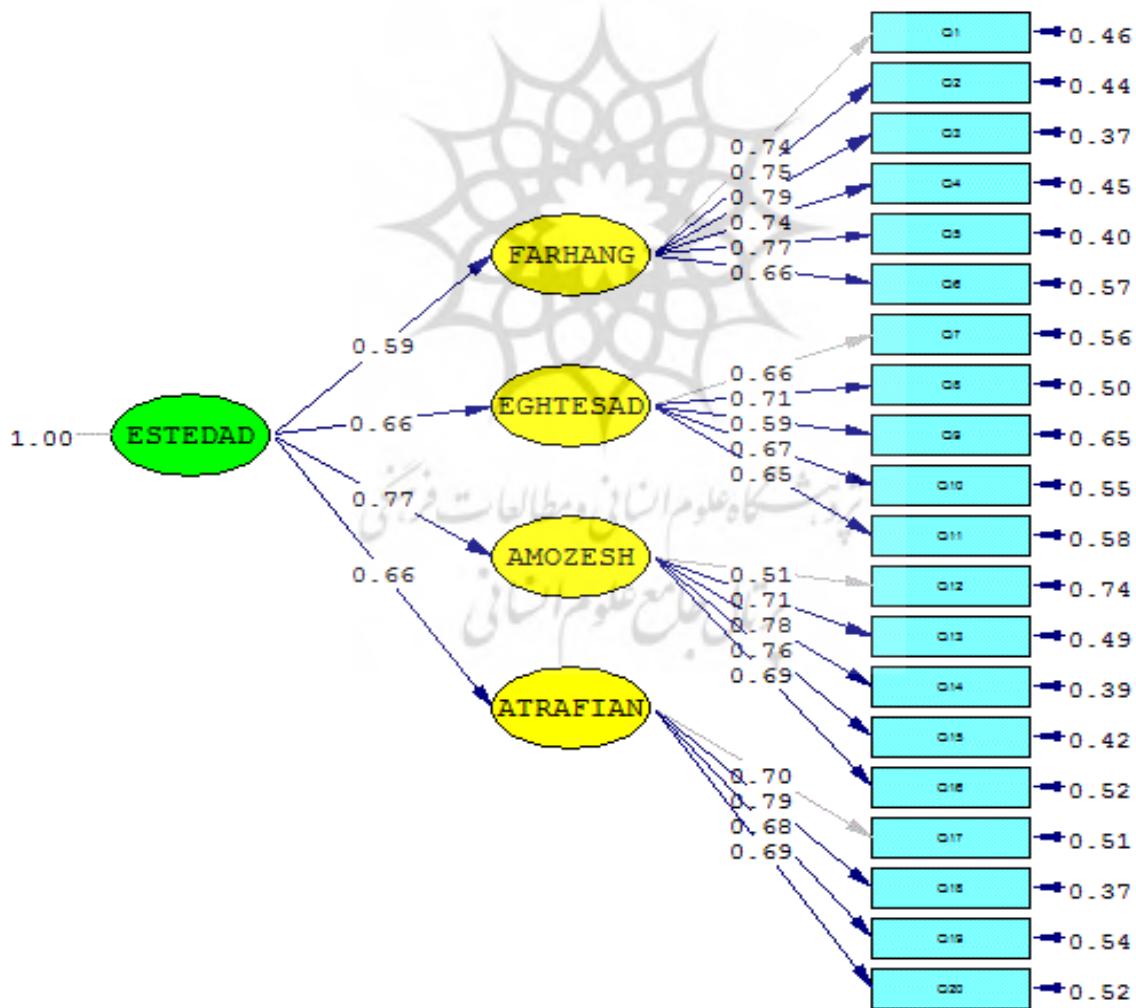
² LISRELL

می شود مقادیر تولرانس بزرگ بوده، و این مقدار بیشتر از ۰/۱ که نشان دهنده عدم وجود هم خطی است و چون شاخص VIF کمتر از ۱ است نشان دهنده وضعیت مطلوب است، و فرض استقلال متغیرها پذیرفته می شود.

جدول ۴. نتایج همخطی چندگانه

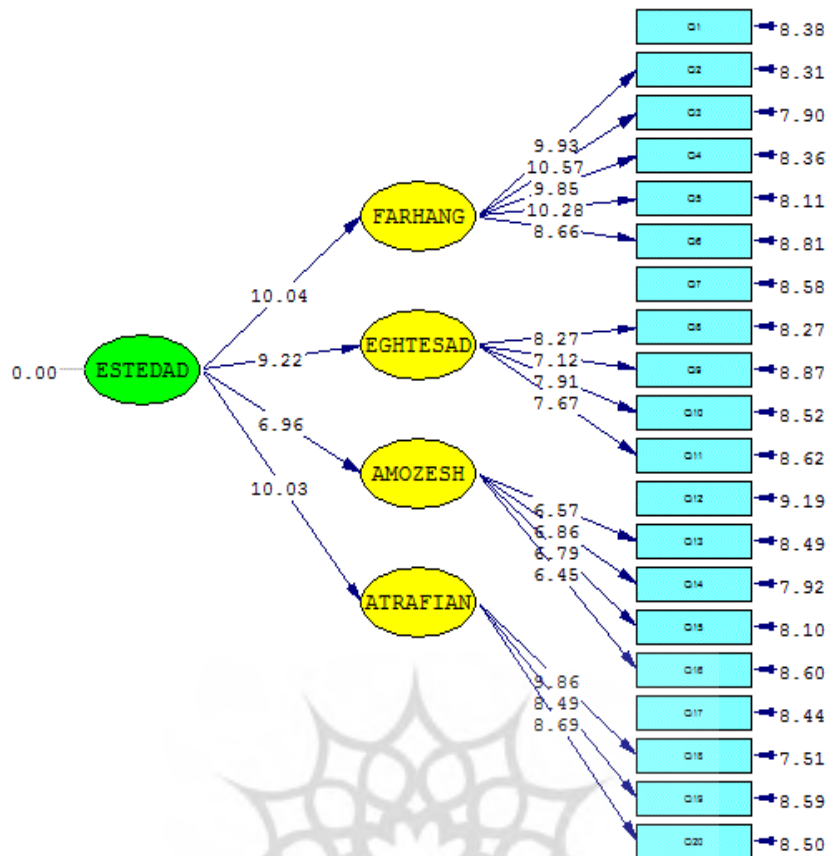
Collinearity statistics		متغیر وابسته	متغیر مستقل
Tolerance	VIF		
۱/۳۵	۰/۷۴۵	عوامل فرهنگی و سیاسی	توسعه استعداد ورزشی
۱/۲۴	۰/۸۲۳	عوامل جمعیتی و اقتصادی	
۱/۳۴	۰/۸۵۵	آموزش و برنامه حمایتی	
۱/۳۲	۰/۷۵۴	نقش اطرافیان	

باید خاطر نشان کرد که در تحلیل عاملی تاییدی بار عاملی باید بالای ۰/۳ و سطح معنی داری نباید بین (±۱/۹۶) باشد. نتایج نشان می دهد روایی تمامی سؤالات به دلیل این که بار عاملی آن ها بیشتر از ۰/۳ و سطح معنی داری آن ها بیشتر از ۱/۹۶ می باشد تأیید می گردند. در ادامه به اجرای مدل توسط نرم افزار لیزرل می پردازیم و نتایج آن را مورد بررسی قرار می دهیم.



Chi-Square=389.07, df=166, P-value=0.00000, RMSEA=0.086

شکل ۲. تحلیل عاملی تاییدی مرحله دوم در حالت استاندارد



Chi-Square=389.07, df=166, P-value=0.00000, RMSEA=0.086

شکل ۳. تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم در حالت معناداری

خروجی مدل نشان داد که میزان برازش شاخص کای دو به درجه آزادی (x^2/df)، برابر ۲/۳۴، شاخص تناسب تطبیقی (CFI)، برابر با ۰/۹۲؛ شاخص نیکویی برازش (GFI)، برابر با ۰/۹۳؛ شاخص برازش هنجاری (NFI) برابر با ۰/۹۲ و شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) برابر با ۰/۹۳ و همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۸۶ می‌باشد. بدین معنی که مدل تحقیق، دارای برازش مناسب و به عبارتی داده‌ها، مدل نظری تحقیق را حمایت و تأیید می‌کنند.

جدول ۵. نتایج تأیید عامل مرتبه دوم

مسیر	ضریب اثر	ضریب معناداری
عوامل فرهنگی و سیاسی	۰/۵۹	۱۰/۰۴
عوامل جمعیتی و اقتصادی	۰/۶۶	۹/۲۲
آموزش و برنامه حمایتی	۰/۷۷	۶/۹۶
نقش اطرافیان	۰/۶۶	۱۰/۰۳

یافته‌های جدول ۵، نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و سیاسی با ضریب اثر ۰/۵۹، عوامل جمعیتی و اقتصادی ۰/۶۶، آموزش و برنامه‌های حمایتی ۰/۷۷ و اطرافیان ۰/۶۶ بر توسعه استعداد ورزشی اثر دارند. هم چنین خروجی مدل در حالت معناداری نشان می‌دهد که تمامی مسیرها در بازه $\pm 1/96$ قرار نگرفته‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که تمامی این عوامل بر توسعه استعداد ورزشی اثر مثبت و معناداری دارند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف اولویت بندی عوامل محیطی مؤثر بر توسعه استعداد در ورزش انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد عوامل جمعیتی و اقتصادی، آموزش و برنامه حمایتی، نقش اطرافیان و عوامل فرهنگی و سیاسی بر توسعه استعداد در ورزش اثر گذار هستند. نکته حائز اهمیت آن است که هر کدام از این عوامل سهم بسیاری در توسعه استعداد دارند که به بررسی و بحث در مورد این عوامل می‌پردازیم:

آموزش و برنامه حمایتی: یافته‌های پژوهش بر اثر مثبت و معنادار آموزش و برنامه‌های حمایتی در توسعه استعداد ورزشی اشاره دارد. این اثر بیشتر از موارد دیگر بود و بر ضرورت توجه به آموزش و برنامه‌های حمایتی و آموزشی در جهت توسعه استعداد ورزشی اشاره دارد. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش لارسن، آفرمن، هنریکسن و چریستنسن (۲۰۱۳)، کارلسون (۲۰۱۱) و هنریکسون، استمبولوا و رویشلر (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. توسعه استعدادها در درخشان، از طریق مجموعه‌ای از برنامه‌های مداخله‌ای مانند آموزش فیزیکی، به پیشرفت ورزشکاران در سطح جهانی منجر می‌شود (بیکر و اسپورر، ۲۰۱۰). مهارت‌های ورزشی از طریق سازگاری موفق با محدودیت‌ها یا عوامل محیطی و همچنین تجربه در آموزش و رقابت به دست می‌آید (فیلیپس و همکاران، ۲۰۱۰). از یک منظر کلان، یک سیستم آموزش عالی یا سیستم مدرسه در ایجاد یک محیط سالم برای توسعه محیطی استعداد حیاتی است (لارسن، آفرمن، هنریکسن و چریستنسن، ۲۰۱۳). ارائه برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا و جلسات از جمله پشتیبانی اطلاعاتی، یک وظیفه اصلی برای یک مربی است. همچنین یک مربی ممکن است نقش خود را در ارائه حمایت ملموس و ایجاد رابطه خوب با ورزشکاران انجام دهد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۸؛ مورگان و گیاکوبی، ۲۰۰۶). یک برنامه آموزشی با کیفیت بالا نیز توسط یک گروه از کارشناسان (مثلاً مربی آموزش تناسب اندام، روانپزشک ورزشی، متخصص تغذیه، فیزیوتراپیست) پشتیبانی می‌شود. این کارکنان پشتیبانی منابع به‌خصوصی در مراحل بعدی توسعه استعداد مانند دوره سرمایه گذاری هستند (مورگان و گیاکوبی، ۲۰۰۶). توسعه استعداد در طبیعت چند بعدی است و نیاز به برنامه‌های آموزشی برای در نظر گرفتن عوامل مختلف دارد (هنریکسن و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارتیندال و همکاران، ۲۰۰۷). تمرکز بر برنامه‌های آموزشی مهم است. شکی نیست که یک برنامه آموزشی با کیفیت بالا عامل مهمی برای عملکرد حرفه‌ای است (دیویدس و بیکر، ۲۰۰۷). بنابر یافته‌های پژوهش و نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که عوامل آموزش و برنامه حمایتی نظیر افزایش دسترسی برنامه‌های ورزشی و امکانات آموزشی، ارائه سیستم آموزش و پرورش انعطاف پذیر و متعادل، فراهم آوردن علم ورزشی، ایجاد فرصت‌های مداوم و تشویق ورزشکاران برای مسئولیت پذیری بر توسعه استعداد اثر دارند. بنابراین برای ارتقای استعدادها و ورزشی افراد به خصوص نوجوانان و جوانان باید به میزان قابل توجهی در برنامه‌های پیشرفتی آن‌ها به نقش آموزش و داشتن امکانات کافی برای ارتقای یادگیری آن‌ها توجه نمود.

جمعیتی و اقتصادی: یافته‌های پژوهش نشان داد یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعه استعداد ورزشی عامل جمعیتی و اقتصادی است. این یافته پژوهش با نتایج تعدادی از پژوهشگران از جمله هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس (۲۰۱۱) ویشناستاینر، ابرناتی و فارو (۲۰۰۹) و برانر، مکدونالد، پیکت و کوته (۲۰۱۱) همخوانی دارد. به نظر بایلی، تامس، کولاین، فورد، مکنیمارا و پیرس (۲۰۱۱)، در واقع مشارکت ورزش یک پیش شرط برای توسعه استعداد است و به شدت با وضعیت اجتماعی و اقتصادی ارتباط دارد. به‌طور کلی، احتمال بیشتری دارد که ورزشکاران نخبه در جوامع کم جمعیت یا بیش از حد بزرگ متولد شوند. هر چند اختلاف در مورد اندازه مطلوب جوامع وجود دارد (بیکر، ۲۰۱۰). مک دونالد، چیونگ، کوته و ابرنیتی (۲۰۰۹)، نیز معتقدند که دلیل این امر می‌تواند این باشد که استعدادها از جوامع کوچک، حمایت اجتماعی بیشتری نسبت به شهرهای بزرگ داشته باشند. علاوه بر این، بیکر و لوگان (۲۰۰۷) ورزشکاران در جوامع کوچک و متوسط به احتمال زیاد مزایای رشد بیشتری را برای توسعه آینده کسب می‌کنند (ویشناستاینر و همکاران، ۲۰۰۹). برانر، مکدونالد، پیکت و کوته (۲۰۱۱)، با بررسی اثر زاد و ولد در توسعه بین المللی بازیکنان در چهار کشور مختلف (کانادا، فنلاند، سوئد و ایالات متحده آمریکا) متوجه شدند که هیچ اثر زاد و ولد در کشور سوئد و فنلاند مشاهده نشد. این دو مطالعات به توضیح احتمالی یافته‌های متضاد اشاره می‌کنند که تفاوت در فرهنگ‌ها و سیستم‌های ورزشی در کشورهای مختلف است. بنابراین، این امر نیاز به در نظر گرفتن عوامل اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر دارد، نه فقط بررسی اثر زاد و ولد.

علاوه بر مطالب ذکر شده مدارس نقش مهمی در ایجاد یک محیط مناسب برای معرفی ورزش بازی می‌کنند و مدارس طیف وسیعی از برنامه‌های ورزشی را برای توسعه استعدادها به عنوان یک اجتماع ارائه می‌دهند. لذا نتیجه می‌گیریم عواملی نظیر موانع مالی، میزان درآمد، طبقه اقتصادی ورزشکار، جمعیت محل زندگی و امکانات محل زندگی ورزشکار بر توسعه استعداد ورزشی او اثر دارند. به طور مثال ورزشکاری که از نظر مالی مشکل دارد نمی‌تواند در تمرینات ورزشی شرکت نموده و شاید استعداد ورزشی او به همین دلیل نادیده گرفته شود. طبقه اقتصادی ورزشکار یکی دیگر از عوامل مهم و اساسی است؛ چون به تبع ورزشکارانی که در رده استعداد قرار دارند اما طبقه اقتصادی آن‌ها متفاوت است و دارای طبقه بالاتری از نظر داشتن پایگاه اقتصادی مناسب هستند فرصت‌های بیشتری برای حضور در مکان‌های ورزشی حرفه‌ای به دست می‌آورند. مشخص است که امکانات هر منطقه‌ای هم می‌تواند بر پیشرفت ورزشی اثر بگذارد و هر چه این امکانات بیشتر باشد فرصت‌های رشد و شکوفایی استعدادها و ورزشی بیشتر خواهد بود.

نقش اطرافیان: یافته‌های پژوهش نشان داد اطرافیان ورزشکار می‌توانند به عنوان عنصری مهم در جهت توسعه استعداد شناخته شوند. این یافته‌ها با نتایج کارلسون (۲۰۱۱)، هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس (۲۰۱۱)، گولد، لائور، جانس و پنیسی (۲۰۰۶) گیولوبین، اولدنزیل، ویشنستاینر و گجنه (۲۰۱۰)، همسو و هم جهت می‌باشد. برای بهینه سازی مسیر رشد و پیشرفت ورزشکار، همانطور که اطرافیان توسط ورزشکاران درک می‌شوند، باید با روش حمایتی با فرد همکاری کنند (هارینکسون، ۲۰۱۳). به طور کلی والدین برای فرزندان خود ملزومات و حمایت اجتماعی- عاطفی را فراهم می‌کنند (کارلسون، ۲۰۱۱؛ هایمن، پیمان، تیلور، همینگ و بورکولس، ۲۰۱۱). والدین حمایت عملی در ورزش را در اختیار دارند؛ نقش‌های حیاتی مختلفی ایفا می‌کنند و در مراحل مختلف توسعه، حمایت‌های مختلفی را فراهم می‌کنند (پوممل و همکاران، ۲۰۰۸). تأثیر برادر و خواهر در مقایسه با والدین برای توسعه استعداد ورزشی در ادبیات موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. جالب توجه است که خواهران و برادران ممکن است بر انتخاب ورزش در طول سال‌های اولیه مشارکت ورزش تأثیر بگذارند. مطالعه گیولوبین، اولدنزیل، ویشنستاینر و گجنه (۲۰۱۰) نشان داد که ورزشکاران جوانی که با خواهر و برادر بزرگ‌ترشان بازی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که در ورزش شرکت کنند. همچنین دوستان نقش حیاتی در حمایت از درگیر شدن و تعهد در ورزش در ورزش‌های ورزشکاران ایفا می‌کنند (کارلسون، ۲۰۱۱). هنریکسون، استمبولو و رویشر (۲۰۱۰) نشان دادند که ورزشکاران اطلاعاتی مثل تجربیات ورزشی از الگوی نقش، عاطفی و اعتماد به نفس را از همسالان یا دوستان خود دریافت می‌کنند. از این رو حمایت همتایان، برای توسعه استعداد ورزشی مورد نیاز است (هالت و مورلی، ۲۰۰۴). مریمان هم به اندازه خود نقش حیاتی در توسعه استعداد ورزشکاران دارند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۸). بنابر این با توجه به یافته‌های پژوهش و نتایج پژوهش‌های پیشین ارتقاء ارتباط مؤثر بین ورزشکاران و مریمان، نقش انگیزشی و حمایتی والدین، تشویق و ترغیب ورزشکار از جانب دوستان و همسالان و همراهی برادر و خواهر به عنوان اطرافیان ورزشکار بر توسعه استعداد ورزشی آن‌ها مؤثر است. به نظر می‌آید زمانی که ورزشکار از جانب اطرافیان بیشتر مورد حمایت قرار گیرد به تبع توان و انگیزه وی برای تلاش بیشتر در جهت رسیدن به موفقیت‌های بیشتر افزایش خواهد یافت. بنابراین حمایت جوانان و ورزشکاران از جانب خانواده، دوستان و مریمان می‌تواند نقش عمده‌ای در پرورش استعدادها و ورزشی آن‌ها داشته باشد. باید توجه کنیم که داشتن همراهانی که فرد را در مسیر زندگی ورزشی حمایت کنند می‌تواند ضامن موفقیت‌های زندگی آن‌ها در آینده شود.

عوامل فرهنگی و سیاسی: این عوامل هم به نوبه خود بر توسعه استعداد ورزشی اثرگذار هستند. پژوهشگران در پژوهش‌های پیشین به بررسی تک بعدی این عوامل پرداخته‌اند که نتایج آن‌ها با یافته‌های این پژوهش برابری می‌کند. ریبا، استامبولو و اسپینک (۲۰۱۳)، معتقدند که فرهنگ محیطی در سازمان‌ها و سطوح باشگاه تأثیر قابل توجهی بر توسعه استعداد ورزشکاران دارد. بنابراین لازم است فرهنگ ورزشی را در توسعه مهارت‌های ورزشی در نظر بگیریم. بنابر یافته‌های پژوهش و نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌های اجتماعی، فرهنگ اجتماعی، حمایت دولت، محبوبیت رشته ورزش، امنیت محیط و هماهنگی نهادها و مختلف می‌تواند بر توسعه استعداد ورزشی اثرگذار باشد. از این رو توجه به این عوامل می‌تواند راه را برای پرورش استعدادها و ورزشی هموار نماید. رسانه به عنوان قلب ارتباطی بین جامعه می‌تواند به

بهترین شکل ممکن به آگاهی افراد منجر شود و در جهت اعتدالی استعداد‌های ورزشی گام بردارد. رسانه به نوبه خود می‌تواند از این طریق رسالت خود را در جهت گرایش جوانان به فعالیت‌های ورزشی و رسیدن به موفقیت‌های ورزشی انجام دهد. البته رسانه بخشی از جامعه فرهنگی محسوب می‌شود و زمانی می‌تواند اثربخش باشد که تمامی اعضای جامعه، دولت و خود ورزشکاران به موفقیت‌های آینده خوشبین باشند و در راستای رسیدن به قله‌های موفقیت گام‌های استواری بردارند. زمانی که تمامی اعضای اجتماع به حمایت از توسعه استعداد‌های ورزشی برخیزند و محیط اجتماعی ایمن و آسوده‌ای با داشتن امکانات مورد نیاز فراهم آورند می‌شود جامعه‌ای سالم و تندست و پر از موفقیت‌های ورزشی را شاهد بود.

بر اساس اهمیت هر کدام از مؤلفه‌های توسعه استعداد ورزشی پیشنهادهای برای توجه بیشتر به این عوامل ارائه می‌گردد: حمایت مالی و معنوی دولت و بخش خصوصی از آموزش افراد مستعد قهرمانی و آموزش رایگان آن‌ها؛ اجرای سیاست‌های تشخیص و حمایت از استعداد‌های درخشان در ورزش؛ ارائه برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا در جهت پرورش استعداد‌های برتر در ورزش؛ افزایش دسترسی برنامه‌های ورزشی و امکانات آموزشی برای ورزشکاران نخبه در نقاط مختلف کشور؛ استفاده از نیروی ماهر، متخصص و آموزش دیده در خصوص شناسایی و پرورش استعداد‌های ورزشی؛ حمایت مالی از ورزشکاران مستعد و ایجاد شغل‌های مناسب برای آن‌ها؛ شناسایی افراد با استعداد از خانواده‌های کم درآمد و توجه کافی و حمایت مالی از آن‌ها؛ ایجاد امکانات و تسهیلات ورزشی متعادل برای تمامی مناطق کشور؛ تاکید خانواده‌ها و دوستان فرد ورزشکار به موفقیت وی و حمایت در مراحل مختلف ورزشی؛ ایجاد ارتباط مثبت و مؤثر بین اطرافیان و ورزشکاران مستعد در جهت حمایت عاطفی و انگیزشی؛ حمایت رسانه‌ها از ورزشکاران و آگاهی بخشی از طریق عوامل مؤثر بر توسعه استعداد‌های ورزشی؛ حمایت جامعه و افکار عمومی از ورزش و استعداد‌های ورزشی و تشویق ورزشکاران به متمرکز شدن آن‌ها؛ ایمن‌سازی محیط ورزشی و جامعه در راستای تحقق جامعه‌ای سالم و پیشرفت استعداد‌های درخشان در ورزش.

۵. منابع

- Abbasi, H., Karimi, J., Hosseini, M. (1396). Performance management in sport. Einshad Revelation of Knowledge. second edition. (in Persian)
- Bailey, R., Toms, M., Collins, D., Ford, P., MacNamara, A., Pearce, G. (2011). Models of young player development in sport. In I. Stafford (Ed.), Coaching children in sport. pp. 38-56.
- Baker, J., Cobley, S., Montelpare, W. J., Wattie, N., Raught, B. E. (2010). Exploring proposed mechanisms of the relative age effect in Canadian minor hockey. 3 International Journal of Sport Psychology, 41, 148-159.
- Baker, J., Logan, A. J. (2007). Developmental contexts and sporting success: Birth date and birthplace effects in national hockey league draftees 2000-2005. British Journal of Sports Medicine, 41, 515-517. doi:10.1136/bjism.2006.033977
- Baker, J., Schorer, J. (2010). Identification and development of talent in sport: Introduction to the special issue. Talent Development & Excellence, 2, 119-121.
- Boote, D. N., Beile, P. (2005). Scholars before researchers: On the centrality of the dissertation literature review in research preparation. Educational Researcher, 34, 3- 20 15. doi:10.3102/0013189X034006003
- Bruner, M. W., Macdonald, D. J., Pickett, W., Côté, J. (2011). Examination of birthplace and birthdate in world junior ice hockey players. Journal of Sports Sciences, 3.1337-1344. doi:10.1080/02640414.2011.597419
- Carlson, R. (2011). Talent detection and competitive progress in biathlon: A national example. Polish Journal of Sport & Tourism, 18, 290-295.
- Christensen, M. K., Sørensen, J. K. (2009). Sport or school? Dreams and dilemmas for talented young Danish football players. European Physical Education Review, 15, 11 115-133. doi:10.1177/1356336X09105214
- Collins, M. F., Buller, J. R. (2003). Social exclusion from high-performance sport: Are all 13 talented young sports people being given an equal opportunity of reaching the Olympic podium? Journal of Sport & Social Issues, 27, 420-442. doi:10.1177/0193- 15 723503255483
- Corrado, L., Tessitore, A., Capranica, L., Rauter, S. (2012). Motivation for a dual-career: 17 Italian and Slovenian student-athletes. Kinesiology Slovenica, 18, 47-56.
- Davids, K., Baker, J. (2007). Genes, environment and sport performance: Why the nature- 6 nurture dualism is no longer relevant. Sports Medicine, 37, 961-980.

- DurandBush, N., Salmela, J. H. (2002). The development and maintenance of expert athletic performance: Perceptions of world and Olympic champions. *Journal of Applied Sport Psychology*, 14, 154-171. doi:10.1080/10413200290103473
- Elling, A., Claringbould, I. (2005). Mechanisms of inclusion and exclusion in the Dutch sports landscape: Who can and wants to belong? *Sociology of Sport Journal*, 22, 498-515
- Ericsson, K. A. (2007). Deliberate practice and the modifiability of body and mind: Toward a science of the structure and acquisition of expert and elite performance. *International Journal of Sport Psychology*, 38, 4-34
- Gould, D., Lauer, L., Rolo, C., Jannes, C., Pennisi, N. (2006). Understanding the role parents play in tennis success: A national survey of junior tennis coaches. *British Journal of Sports Medicine*, 40, 632-636. doi:10.1136/bjism.2005.024927
- Gulbin, J. P., Oldenzel, K. E., Weissensteiner, J. R., Gagné, F. (2010). A look through the rear view mirror: Developmental experiences and insights of high performance athletes. *Talent Development & Excellence*, 2, 149-164.
- Hayman, R., Polman, R., Taylor, J., Hemmings, B., & Borkoles, E. (2011). Development of elite adolescent golfers. *Talent Development & Excellence*, 3, 249-261.
- Henriksen, K., Stambulova, N., Roessler, K. K. (2010). Successful talent development in track and field: Considering the role of environment. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 20, 122-132.
- Holt, N. L. (2002). A comparison of the soccer talent development systems in England and Canada. *European Physical Education Review*, 8, 270-285. doi:10.1177/1356336X020083006
- Houlihan, B. (2000). Sporting excellence, schools and sports development: The politics of 5 crowded policy spaces. *European Physical Education Review*, 6, 171-193. 6 doi:10.1177/1356336X000062005
- Johnson, M. B., Castillo, Y., Sacks, D. N., J., Edmonds, W. A., Tenenbaum, G. (2008). "Hard work beats talent until talent decides to work hard": Coaches' perspectives regarding differentiating elite and non-elite swimmers. *International 12 Journal of Sports Science & Coaching*, 3, 417-430. 13 doi:10.1260/174795408786238579
- Ko, B., Gu, H., Park, D., Back, J., Yun, S., Lee, M., Shin, S. (2003). The construction of sports talent identification models. *International Journal of Applied Sports Sciences*, 15, 64-84.
- Larsen, C. H., Alfermann, D., Henriksen, K., Christensen, M. K. (2013). Successful talent 5 development in soccer: The characteristics of the environment. *Sport, Exercise, and 6 Performance Psychology*, 2, 190-206. doi:10.1037/a0031958
- Lauer, L., Gould, D., Roman, N., Pierce, M. (2010). How parents influence junior tennis 8 players' development: Qualitative narratives. *Journal of Clinical Sport Psychology*, 4, 9 69-92.
- Lin-Yang, X., Telama, R., Laakso, L. (1996). Parents' physical activity, socioeconomic status and education predictors of physical activity and sport among children and youths: A 12-year follow-up survey. *International Review for the Sociology of Sport* 31, 273-291.
- MacDonald, D. J., Cheung, M., Côté, J., & Abernethy, B. (2009). Place but not date of birth 18 influences the development and emergence of athletic talent in American football. *Journal of Applied Sport Psychology*, 21, 80-90. doi:10.1080/10413200802541868
- MacNamara, Á., Button, A., Collins, D. (2010). The role of psychological characteristics 24 in facilitating the pathway to elite performance part 1: Identifying mental skills and behaviors. *The Sport Psychologist*, 24, 52-73.
- Martindale, R. J. J., & Mortimer, P. (2011). Talent development environments: Key considerations for effective practice. In D. Collins, A. Button & H. Richards (Eds.), *Performance psychology: A practitioner's guide* (pp. 65-84). Churchill Livingstone: Elsevier.
- Martindale, R. J. J., Collins, D., Abraham, A. (2007). Effective talent development: The elite coach perspective in UK sport. *Journal of Applied Sport Psychology*, 19, 187-206. doi:10.1080/10413200701188944
- Martindale, R. J. J., Collins, D., Douglas, C., Whike, A. (2012). Examining the ecological validity of the Talent Development Environment Questionnaire. *Journal of Sports 8 Sciences*, 1-7. doi:10.1080/02640414.2012.718443
- Morgan, T. K., Giacobbi, J. P. R. (2006). Toward two grounded theories of the talent development and social support process of highly successful collegiate athletes. *The Sport Psychologist*, 20, 295-313.
- Pummell, B., Harwood, C., Lavalée, D. (2008). Jumping to the next level: A qualitative examination of within-career transition in adolescent event riders. *Psychology of Sport & Exercise*, 9, 427-447.
- Raújo, D., Davids, K. (2011). Talent development: From possessing gifts, to functional environmental interactions. *Talent Development & Excellence*, 3, 23-25
- Ryba, T. V., Stambulova, N. B., Si, G., Schinke, R. J. (2013). ISSP position stand: Culturally competent

- research and practice in sport and exercise psychology. 13 International Journal of Sport and Exercise Psychology, 11, 123-142. doi:10.1080/1612197X.2013.779812
- SeifPanahi, J., Khatibi, (2017). Explaining and analyzing the factors affecting the development of Iranian volleyball at the championship level. Management and development of sports. 2 (11): 17-30. (inPersian).
- Vincze, G., Fügedi, B., Dancs, H., Bognár, J. (2008). The effect of the 1989-1990 political transition in Hungary on the development and training of football talent. Kinesiology, 40, 50-60.
- Weissensteiner, J. R., Abernethy, B., Farrow, D. (2009). Towards the development of a conceptual model of expertise in cricket batting: A grounded theory approach. Journal of Applied Sport Psychology, 21, 276-292. doi:10.1080/10413200903018675
- Weissensteiner, J. R., Abernethy, B., Farrow, D., Gross, J. (2012). Distinguishing psychological characteristics of expert cricket batsmen. Journal of Science & 18 Medicine in Sport, 15, 74-79. doi:10.1016/j.jsams.2011.07.003.

